

کتاب سلیم بن قیس: الہلالی (م. ۷۶ق.)، به کوشش انصاری، قم، الہادی، ۱۴۲۰ق؛ کمال الدین: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۵ق؛ مجمع البحرین: الطریحی (م. ۱۰۸۵ق.)، به کوشش الحسینی، تہران، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق؛ المحبّر: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش ایلزہ لیختن شتیر، بیروت، دار الآفاق الجدیدہ: المغازی: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق؛ المناقب: الخوارزمی (م. ۵۶۸ق.)، به کوشش مالک محمودی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق؛ المنتظم: ابن جوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش نعیم زرزور، بیروت، دار الکتب العلمیہ، ۱۴۱۲ق؛ الولایہ: ابن عقدۃ الکوفی (م. ۳۳۳ق.)؛ البقین: سید ابن طاووس (م. ۶۶۴ق.)، به کوشش انصاری، دار الکتب، ۱۴۱۳ق.

محمد وحیدی



ابوقبیس، کوه: کوه مقدس مشرف بر

مسجدالحرام

کوه ابوقبیس در شمال شرقی مسجدالحرام و مشرف بر آن است^۱ و شعب ابی طالب* از آن جا آغاز می شود. (تصویر شماره ۱۱) ارتفاع آن را از سطح دریا ۴۲۰ متر و از سطح دامنه ۱۲۰ متر دانسته اند.^۲ به گفته ناصر خسرو، این

۱. معجم البلدان، ج ۱، ص ۸۰؛ مراد اطلاع، ج ۳، ص ۱۰۶۶.

۲. تاریخ و آثار اسلامی مکہ، ص ۹۵.

کوه گنبدی شکل بوده است^۳؛ ولی امروزه آن را تراشیده اند. ابوقبیس را نخستین^۴ و برترین^۵ کوه زمین خوانده اند.

نام این کوه برگرفته از اسم شخصی از قبیلہ مدحج^۶ یا ایاد^۷ است که برای نخستین بار بر دامنه آن خانه ای ساخت.^۸ به گفته برخی چون ابوقبیس بن شالح از قبیلہ جرهم بر اثر اختلاف با خویشاوندان خود به این کوه پناه برد و دیگر خبری از او باز نیامد، آن کوه به این نام شهره شد.^۹ برخی نیز با توجه به مناسبت معنایی ابوقبیس با «قبس» (قطعه ای از آتش) گفته اند که حضرت آدم (ع) از این کوه آتش برگرفت.^{۱۰} نام های ابوقابوس و شیخ الجبال نیز بر ابوقبیس اطلاق شده است.^{۱۱}

در فضیلت این کوه آورده اند که چون حجرالاسود از بهشت فرود آمد، در این کوه به ودیعت گذاشته شد. سپس ابراهیم آن را در ساخت کعبه به کار برد.^{۱۲} در طوفان نوح نیز

۳. سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۱۹.

۴. اخبار مکہ، ازرقی، ج ۱، ص ۳۲.

۵. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۲۵.

۶. الجبال و الامکنہ، ص ۲۷.

۷. اخبار مکہ، ازرقی، ج ۲، ص ۲۶۷.

۸. اخبار مکہ، ازرقی، ج ۲، ص ۲۶۵، ۲۶۷؛ معجم البلدان، ج ۱،

ص ۸۰؛ الجبال و الامکنہ، ص ۲۷.

۹. الروض الاتف، ج ۳، ص ۹۰.

۱۰. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰.

۱۱. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰.

۱۲. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۶-۲۷.

اسلام، بر فراز همین کوه خبر داده‌اند.^۸ در سده‌های نخستین اسلامی، بر فراز این کوه، مسجد ابراهیم^۹ را ساختند که بعدها به مسجد بلال^{۱۰} شهرت یافت.^{۱۱} این مسجد یا منسوب به ابراهیم خلیل^{۱۲} بوده یا ابراهیم قیسی^{۱۳} یا تاجری هندی که در سال ۱۲۷۵ق. آن را بنا نهاده است.^{۱۴} از دیگر بناهای بر فراز این کوه، می‌توان به مسجد شق القمر^{۱۵}، کاروانسرای ملا محمد یزدی^{۱۶} و مأذنه‌ای اشاره کرد که به دست عبدالله بن مالک خزاعی در زمان هارون الرشید عباسی ساخته شد.^{۱۷} در سال‌های اخیر، بخشی گسترده از روی کوه مسطح گشته و بر آن، کاخ و مهمانسرای حکومتی ساخته شده است.^{۱۸}

منابع

اخبار مکه: ازرقی (م. ۲۴۸ق.)، به کوشش رشدی الصالح، مکه، مکتبة الثقافة، ۱۴۱۵ق؛
اخبار مکه: الفاکهی (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش عبدالملک، بیروت، دار خضر، ۱۴۱۴ق؛ امتاع

حجرالاسود در این کوه به امانت نهاده شد. در دوران جاهلیت این کوه را «امین» می‌خواندند.^۱ نیز آن را محل استجابت دعا دانسته^۲ و گفته‌اند که یکی از شش کوهی است که سنگ‌های کعبه از آن فراهم شده است.^۳

ابوقییس کوهی مقدس و پیش و پس از اسلام، محترم بوده است. ابراهیم علیه السلام بر این کوه می‌ایستاد و مردم را به انجام مناسک حج فرامی‌خواند.^۴ بر پایه گزارش، در یکی از سال‌های پیش از هجرت، پیامبر با معجزه خویش ماه را دو نیم کرد؛ نیمی از آن بر کوه قعیقان^۵ و نیم دیگر بر فراز کوه ابوقییس بود.^۶ گفته‌اند که قبر آدم، شیث بن آدم و حوا همسر آدم در غار کنز این کوه واقع شده است.^۷ اشراف این کوه بر مسجدالحرام موجب می‌شد تا گاه برای آگاه کردن مکیان از فراز این کوه به آنان خطاب کنند. از فریاد دادخواهی مردی زبیدی که به حلف الفضول^۸ انجامید^۹ و نیز دعوت عمومی پیامبر از قریش برای پذیرش

۱. اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۶۵-۲۶۶؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۸۰.
۲. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۲۴.
۳. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۷۹.
۴. السیر و المغازی، ج ۲، ص ۷۲؛ اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۳؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۹۱.
۵. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۱۱۶-۱۱۷.
۶. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۱۹-۵۲۰.
۷. المنقذ، ص ۵۲؛ التنبیه و الاشراف، ص ۱۷۹؛ البداية و النهایه، ج ۲، ص ۲۹۱.

۸. امتاع الاسماع، ج ۳، ص ۲۱۹؛ سبل الهدی، ج ۲، ص ۲۴۳.
۹. اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۲.
۱۰. قاموس الحرمین، ص ۲۰۵.
۱۱. اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۲.
۱۲. اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۲.
۱۳. تحصیل المرام، ج ۱، ص ۵۰۲-۵۰۳.
۱۴. موسوعة مكة المكرمة، ج ۱، ص ۵۵۱.
۱۵. اخبار مکه، فاکهی، ج ۳، ص ۸۷؛ موسوعة مكة المكرمة، ج ۱، ص ۵۵۱.
۱۶. سرزمین یادها و نشانه‌ها، ص ۸۹.

الاسماع: المقريزي (م. ۸۴۵ق.)، به كوشش محمد عبدالحميد، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۲۰ق؛ بحار الانوار: المجلسي (م. ۱۱۱۰ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق؛ البداية و النهاية: ابن كثير (م. ۷۷۴ق.)، بيروت، مكتبة المعارف: تاريخ البعقوبي: احمد بن يعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ تاريخ و آثار اسلامي مکه مكرمه و مدينه منوره: اصغر قائدان، تهران، مشعر، ۱۳۸۶ش؛ تحصيل المرام: محمد بن احمد (م. ۳۲۱ق.)، به كوشش عبدالملك دهيش، مکه، ۱۴۲۴ق؛ التنبيه و الاشراف: المسعودي (م. ۳۴۵ق.)، بيروت، دار صعب: الجبال و الامكنة و المياه: زمخشري (م. ۵۳۸ق.)، به كوشش احمد عبدالنواب، قاهره، دار الفضيله، ۱۳۱۹ق؛ الروض الانف: السهيلي (م. ۵۸۱ق.)، به كوشش عبدالرحمن، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۱۲ق؛ سبل الهدى: محمد بن يوسف الصالحی (م. ۹۴۲ق.)، به كوشش عادل احمد و على محمد، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۴ق؛ سرزمين يادها و نشانه‌ها: محمد فرقاني، تهران، مشعر، ۱۳۸۱ش؛ سفرنامه ناصر خسرو: ناصر خسرو (م. ۴۸۱ق.)، تهران، زوار، ۱۳۸۱ش؛ السير و المغازی: ابن اسحاق (م. ۱۵۱ق.)، به كوشش محمد حميد الله، معهد الدراسات و الابحاث؛ السيرة النبويه: ابن هشام (م. ۲۱۳-۸ق.)، به كوشش السقاء و ديگران، بيروت، المكتبة العلمية؛ شفاء الغرام: محمد الفاسي (م. ۸۳۲ق.)، به كوشش مصطفى محمد، مکه، النهضة الحديثه، ۱۹۹۹م؛ قاموس الحرمين: محمد رضا النعيمي، قم، مشعر، ۱۴۱۸ق؛ مراصد الاطلاع: صفی الدين عبدالمؤمن بغدادی (م. ۷۳۹ق.)، بيروت، دار الجبل، ۱۴۱۲ق؛ معجم البلدان: ياقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ المنمق:

ابن حبيب (م. ۲۴۵ق.)، به كوشش احمد فاروق، بيروت، عالم الكتاب، ۱۴۰۵ق؛ موسوعة مکه المكرمة و المدينه المنوره: احمد زکی يمانی، مؤسسة الفرقان، ۱۴۲۹ق.

مسلم ناصري



ابوقتاده انصاری: از اصحاب پیامبر ﷺ

و والی مکه از سوی امام علی علیه السلام

حارث بن ربیع بن بلدمه انصاری، معروف به ابوقتاده، از بنی سلمه بن سعد خزرجی و در شمار بزرگان انصار بود.^۱ وی به فارس (سوار کار) رسول خدا ﷺ شهرت داشت.^۲ از اخبار مربوط به او در جنگ‌ها برمی آید که وی سوارکاری شجاع و مطیع پیامبر ﷺ بوده است.^۳

او در همه غزوه‌ها تلاشمندانۀ شرکت داشت و افزون بر حضور در برخی سریه‌ها، فرماندهی شماری از آن‌ها را عهده‌دار شد.^۴ به رغم تصریح خود وی به حضورش در جنگ بدر در سخنانش خطاب به معاویه^۵، برخی نام

۱. الطبقات، ج ۶، ص ۹۴؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۸۹؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۳۹۱.

۲. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۳۱؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۳۹۱؛ الاصابه، ج ۷، ص ۲۷۲.

۳. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۳۱؛ سير اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۴۵۰.

۴. الطبقات، ج ۲، ص ۱۰۰-۱۰۱.

۵. سير اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۴۵۳.